



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

## Victims' Rights in Jurisprudence and Criminal Procedure Law

Ahmad Ahmadi\*<sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

*Type of Article:*

**Original Research**

*Pages:* 41-55

*Corresponding Author's Info*

**ORCID:** 0000-0001-7075-8747

**TELL:** +989146042855

**Email:** Chako1359 @yahoo.com

*Article history:*

**Received:** 02 May 2021

**Revised:** 23 Jul 2021

**Accepted:** 03 Agu 2021

**Published online:** 23 Sep 2021

*Keywords:*

*Victim,*

*Victim Rights,*

*Criminal Procedure Code.*

### ABSTRACT

The aim of this study was to investigate the developments about victims' rights in criminal law in light of criminal procedure law. Victim as one of the most important pillars of the criminal phenomenon has not yet found its real and decisive position in the criminal policy of societies. Criminal researchers have focused their utmost on elements such as crime, offender, and punishment, and as a result, victims of crime or crimes, which often play an effective role in the occurrence of crime, have remained out of sight. With the advent of victimology knowledge in recent decades, great steps have been taken to scientifically study the victims and to identify their characteristics and performance in a crime. In addition, the prominence of human rights issues through the adoption of global and regional documents and regulations on criminals and victims has provided a suitable platform for serious attention to the status of victims in national criminal justice systems. For this reason, material and spiritual protections of victims such as compensation fund, psychological and medical support are seen in the Criminal Procedure Code of 2013.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

**How to Cite This Article:** Ahmadi, A (2021). "Victims' Rights in Jurisprudence and Criminal Procedure Law" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(3): 41-55.



**مقدمه**

با آنکه یک روی بزه، بزه‌دیده است اما این عنصر مورد ستم واقع شده در مطالعات کیفری کمتر از بزه‌کار مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. توجه کمتر به بزه‌دیده از یک سو دوره کوتاه‌تر مطالعه این عنصر در فرایند مجرمانه را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر علاقه کمتر پژوهشگران حقوق کیفری و نیز قانونگذاران را شامل می‌شود. کم توجهی به بزه‌دیده به اندازه‌ای بوده است که تا حدود نیمه سده کنونی در بسیاری از جوامع می‌توان به‌حق، بزه‌دیده را شخص فراموش شده در فرایند اجرای عدالت دانست چرا که به اندازه‌ای که به متهم و حقوق وی توجه شده به حقوق بزه‌دیده توجه نشده است. (اداره کنترل مواد مخدر، ۱۳۸۴: ۶)

در گستره قانونی و حقوقی، حمایت از بزه‌دیدگان یکی از موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر به دنبال مطالعات انجام شده در رشته مطالعاتی بزه‌دیده‌شناسی ثانویه (بزه‌دیده‌شناسی حمایتی) مورد توجه و عنایت حقوق‌دانان و جرم‌شناسان قرار گرفته است. به دنبال تلاش‌های انجام شده از جانب نظریه‌پردازان این رشته در سال‌های اخیر تحولات و اقدامات مناسبی جهت به رسمیت شناختن حقوق بزه‌دیدگان در فرآیند عدالت کیفری صورت گرفته است، به طوری که دستاورد اقدامات ایشان در قوانین جزایی کشورهای مختلف به خوبی نمایانگر است و امروزه ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان بر کسی پوشیده نیست. ورود این مباحث به نظام حقوقی و قضایی کشورمان، به صورت علمی و مبتنی بر یافته‌های علمی و اصول پیشنهادی در اسناد فراملی باشد، هم زمان با طرح و اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه قضایی می‌باشد. در قوانین کیفری ایران، قانونگذار با عباراتی همچون مجنی‌علیه و شاکی، بزه‌دیده را مورد توجه قرار داده و سعی بر آن داشته تا مطالعات بزه‌دیده‌شناسی را ارج نهد و بزه‌دیده را به عنوان عنصری قابل شناسایی در قوانین کیفری و نوشته‌های حقوقی بدل سازد. توجه به جایگاه بزه‌دیدگان و اشخاص آسیب‌پذیر جامعه همچون اطفال، زنان و بیماران روانی و جسمانی به اشکال گوناگونی مورد عنایت سیاست‌گذاران و دست اندرکاران امر، قرار گرفته است. به این صورت که ضمن انجام پژوهش‌های متعدد و مطالعات گسترده در این رابطه، قوانین و

لوائح چندی نظیر قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و لایحه حمایت از بزه‌دیدگان همسو با یافته‌های علمی و روز دنیا در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان، متناسب با بسترهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ما تدوین گردیده‌اند. همچنین این موضوع، یعنی تأمین منافع بزه‌دیدگان به خوبی در بخشنامه‌های ریاست قوه قضائیه تبلور یافته و مورد تأکید قرار گرفته است. به همین شکل در قالب اقدامات صورت گرفته، نهادهایی نیز برای حمایت شایسته از این دسته از افراد جامعه پیش‌بینی شده است که به عنوان نمونه می‌توان به صندوق حمایت از بزه‌دیدگان اشاره کرد که در لایحه حمایت از بزه‌دیدگان مطرح شده است.

بدین‌سان، در تهیه نوشتار حاضر تلاش شده است که ضمن بررسی پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌های منتشره در زمینه حقوق بزه‌دیدگان - چه به زبان فارسی و چه به زبان عربی و انگلیسی - در بند نخست تا حد امکان مبانی حقوقی حمایت از بزه‌دیدگان ارائه گردد. سرانجام، در بندهای دوم و سوم به جلوه‌های حقوق بزه‌دیدگان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پرداخته می‌شود.

**۱- مبانی حقوقی حمایت از بزه‌دیدگان**

پیش از پرداختن به حقوق بزه‌دیدگان و کیفیت حمایت از آن، طرح این سؤال ضروری است که اساساً مبانی طرح حمایت از بزه‌دیده چیست و بر اساس چه اصل یا اصولی استوار است؟ با توجه به اینکه بزه‌دیده در مبحث بزه‌دیده‌شناسی علمی در تحقق بسیاری از جرایم نقش داشته و مقصر است، حمایت از وی چه توجیه شرعی و قانونی دارد؟ بنابراین، در این گفتار، مبانی فقهی و حقوقی حمایت از بزه‌دیدگان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**۱-۱- مبانی باورمحور**

یکی از مهم‌ترین مبانی حمایت از بزه‌دیدگان، گذشته از اصول و مبانی دیگر، مبانی فلسفی و ایدئولوژیک است. از منظر اندیشه بنیادین اسلام، حمایت از بزه‌دیده، خواه در قالب حمایت‌های قانونی و قضایی و خواه در ضمن حمایت‌های مادی و معنوی باشد، از اساسی‌ترین تکلیف شرعی است که

مؤمنی نیست که بتواند برادر خود را یاری رساند و یاریش دهد، مگر این که خداوند در دنیا و آخرت او را یاری کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵/۲۰)

از مجموع آیات و احادیث مذکور، به خوبی می‌توان ضرورت یاری رساندن به مظلومان و ستم‌دیدگان را به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی، و به عنوان یکی از مبانی حمایت از بزهدیدگان استنباط نمود.

### ۱-۲- حمایت از ارزش‌ها

یکی دیگر از مبانی حمایت از بزهدیدگان، مبنای هنجاری است. بر این پایه، اندیشمندی به ابعاد ارزش حمایت از بزهدیدگان در جامعه اشاره نموده و اظهار می‌دارند که: حراست و پاس‌داری از ارزش‌های یک جامعه سرلوحه حقوق جزا قرار دارد و اصولاً از اهداف بنیادین سیاست جنایی محسوب می‌شود؛ زیرا حمایت از نیازمندان، مستضعفان و به ویژه بزهدیدگان، جزو ارزش‌های جوامع است و از این‌رو، حمایت از آنان مبنای ارزشی دارد. به گفته عزت عبدالفتاح: «حمایت از قربانیان جرم و کمک به آنان باید بخشی از ارزش‌های اساسی جامعه محسوب شود. تعهدات هر جامعه نسبت به بزهدیدگان باید از نظر اعتقادی، در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه بگستراند. از این‌رو، ایجاد منابع قانونی که حقوق بزهدیدگان از آنها سیراب شود اهمیتی به‌سزا دارد.» (عبد الفتاح، ۱۳۷۱: ۸۹)

### ۱-۳- قصور دولت‌ها در جلوگیری از پدیده مجرمانه

قصور دولت‌ها در پیشگیری از پدیده مجرمانه جلوه دیگری از مبانی حمایتی از بزهدیدگان به‌شمار می‌رود. عده‌ای دیگر، خاستگاه حمایت از بزهدیده را در ناتوانی حکومت‌ها در جلوگیری از جرایم می‌دانند. در همین زمینه، ریموند گسن می‌نویسد: «جنبش حمایت از بزهدیده بر اثر ناتوانی جوامع غربی در پیشگیری از رشد صعودی و مداوم بزهدی در ۲۰-۳۰ سال اخیر به وجود آمده است، به گونه‌ای که بر اثر فقدان قدرت عمل در مورد عمل جرم، تنها چاره ممکن، حمایت از بزهدیدگان و تخفیف اثرات پدیده مجرمانه عنوان شده است.» (گسن، ۱۳۷۰: ۱۹۸) بر اساس این نظریه، مبنای حمایت از بزهدیده را قصور دولت تشکیل می‌دهد؛ زیرا بدون تردید یکی از اهداف اساسی دولت‌ها ایجاد نظم، و حراست از امنیت، حقوق، آزادی و حیات شهروندان است.

رستگاری و خشنودی خداوند را فراهم می‌آورد. (اسکندری، ۱۳۸۷: ۴۷)

در آموزه‌های دینی، همان‌گونه که از ظلم و ستمگری، به شدت اعلام انزجار شده، از تن دادن به ظلم و ستمگری نیز نهی شده است. علاوه بر آن، دفاع از ستم‌دیدگان و یاری رساندن به آنان، به عنوان یک وظیفه و تکلیف شرعی، قلمداد شده است. قرآن کریم در آیات متعددی به حمایت از بزهدیدگان<sup>۱</sup> فرامی‌خواند؛ برای نمونه در آیه ۷۲ سوره انفال می‌فرماید: «... اگر گروهی (مؤمنان مهاجر) به خاطر حفظ دین و آئین‌شان از شما یاری طلب کنند، بر شما لازم است که به یاری آنان بشتابید.»<sup>۲</sup>

افزون بر آیات قرآنی، روایات متعددی نیز بر این مهم تأکید دارند. پیامبر خاتم (صلي الله عليه و آله و سلم) می‌فرماید: «... وَ مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانِ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مِصْحَابًا...؛ یعنی هرکسی داد ستم‌دیده‌ای را از ستمگر بگیرد، در بهشت با من و یار و همنشین من است.» (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۹/۷۲) همچنین، در حدیث دیگری آمده است: «لَيَنْصُرَ الرَّجُلُ أَخَاهُ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا إِنْ كَانَ ظَالِمًا فَيَنْهِيهِ فَإِنَّهُ لَهُ نُصْرَةٌ وَ إِنْ كَانَ مَظْلُومًا فَيَنْصُرُهُ؛ یعنی انسان باید برادر (دینی) خویش را یاری کند چه ظالم باشد چه مظلوم؛ اگر ظالم باشد او را باز دارد که این به منزله یاری کردن اوست و اگر مظلوم باشد یاریش کند.» (پابنده، ۱۳۸۲: ۶۶۵) امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «أَحْسَنُ الْعَدْلِ نَصْرُهُ الْمَظْلُومِ؛ بهترین عدالت یاری مظلوم است.» (آمدی، بی‌تا: ۱۴۸/۲) همچنین، از امام صادق (ع) نیز نقل شده است: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ اغْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَنْصُرُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيَّ نَصْرَتِهِ إِلَّا نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ هیچ مؤمنی، مؤمن ستم‌دیده‌ای را یاری نمی‌رساند، مگر این که عمل او، برتر از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجدالحرام باشد و هیچ

<sup>۱</sup> - مظلوم (بزهدیده) از ماده ظلم، به معنای ستم‌دیده است و به کسی که مورد بیدادگری قرار گرفته و به حق و حقوقش، تعدی و تجاوز شده، اطلاق می‌شود. در قرآن کریم، کلمه مظلوم، یک بار آمده است آنجا که می‌خوانیم: «... وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا؛ و آن کس که مظلوم کشته شده است برای ولی‌اش سلطه [حق قصاص] قرار دادیم.» (اسراء/۳۳)

<sup>۲</sup> - «...وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ...».

## ۲-۴- پیش‌گیری از وقوع جرم

برخی اندیشمندان مبنای حمایت از بزه‌دیده را در کاهش بزه‌کاری جست‌وجو کرده و چنین گفته‌اند: «حمایت از بزه‌دیده، گذشته از ابعاد ارزشی آن، نقش مؤثری در پیش‌گیری از بزه‌کاری دارد؛ زیرا هم از بزه‌دیدگی مکرر جلوگیری می‌نماید و هم مانع تبدیل بزه‌دیده به یک انسان بزه‌کار می‌شود. در نتیجه، همان‌گونه که مساعدت پزشک در درمان بیمار، حتی مریضی که در مریض شدن خود دخالت داشته است، عملاً تلاش برای از بین بردن خطر آن بیماری و سالم‌سازی جامعه است، حمایت از بزه‌دیده نیز در نهایت به تقلیل آمار جرایم می‌انجامد.» (توجهی، ۱۳۷۸: ۳۲)

بر اساس این دیدگاه، حتی اگر بزه‌دیده در تحقق جرم و بزه‌دیدگی خویش نقش هم داشته باشد حمایت از وی امری عقلایی و ارزشمند است؛ زیرا از یک‌سو، این حمایت و تأمین ضرر و زیان، او را از بزه‌دیدگی مکرر که ناشی از ناتوانی و بزه‌دیدگی نخست اوست مصون می‌نماید و از سوی دیگر، مانع انتقام‌های فردی و کنش خودسرانه و گسترش بزه‌کاری می‌شود. طبق این مبنا، حمایت از بزه‌دیدگان یکی از شیوه‌های پیش‌گیری از جرم است. تحقیقات نشان داده است که اولاً، کسانی که یک بار در معرض بزه‌دیدگی واقع شده‌اند، به راحتی برای دفعات بعد، قربانی جرم می‌شوند، ثانیاً، نیاز این افراد به توجه و پشتیبانی بیش از سایر اقشار است؛ چراکه صدمات ناشی از جرم باعث شد تا بزه‌دیدگان امروز به بزه‌کاران فردا بدل شوند. این موضوع در مورد زنان و کودکان بیشتر قابل توجه است. آموزش‌های مقابله با زمینه‌های جرم‌زا و اتخاذ سیاست‌های کارآمد، مشترک و هماهنگ برای این‌گونه افراد، از تکرار بزه‌دیدگی جلوگیری می‌کند.

## ۲- جلوه‌های حقوق بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ از نخستین ماده خویش، از موضوع حمایت از بزه‌دیده به عنوان یکی از اهداف وضع قانون آیین دادرسی یاد نموده است. به‌طوری که مطابق ماده ۱ در تعریف آیین دادرسی کیفری حق بزه‌دیده مدنظر قرار گرفته و مقرر می‌دارد: «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم و ... و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.»

## ۲-۱- حق اطلاع از فرآیند دادرسی

گسترش و تنوع جوامع، عملیات و اقدامات سازمان‌ها و مسؤولانی را که در امر پیش‌گیری فعالیت می‌کنند تحت الشعاع قرار داده و آن را ناموفق و غیرکافی گردانده است. انتظار حفظ نظم عمومی و پیش‌گیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی از مسؤولان سیاست‌جنایی یک جامعه بدون اعمال اقدامات لازم فردی، امری بیهوده است. همان‌گونه که سیاستگذاران امر بهداشت در کنار بهداشت عمومی رعایت بهداشت فردی را نیز توصیه می‌کنند، لازم است کلیه افراد یک جامعه به‌ویژه بزه‌دیدگان مستعد و بالقوه در صدد مراقبت از خود و رعایت اقدامات لازم به منظور خود ایمن‌سازی برآیند. (توجهی، ۱۳۷۷: ۱۴۵) از این‌رو باید همواره توجه داشت که زمانی که دولت قادر به تأمین امنیت افراد به صورت کامل نیست، به ایشان جهت حمایت از خود در برابر بزه‌دیدگی راهنمایی‌های لازم داده شود. خود ایمن‌سازی بزه‌دیده از این طریق مستلزم دیدن آموزش‌های لازم در زمینه جلوگیری از بزه‌دیدگی و آشناسازی وی به جذابیت‌های بزه‌دیدگی خود می‌باشد.

نمود عینی رعایت احترام به بزه‌دیده باید در ارائه خدمات حمایتی سهل‌الوصول متجلی شود. آگاهی‌دهی به بزه‌دیده مستلزم آگاه کردن بزه‌دیده از تحولات پرونده خود از سوی مقام‌های عدالت کیفری است. آگاه کردن بزه‌دیده از تحولات پرونده بدون اینکه لزومی به مراجعه‌ی حضوری او باشد، یا رسیدگی خارج از نوبت برای بزه‌دیدگان خاص، می‌تواند موجب تمایل هر چه بیشتر آنان به کمک و همراهی در فرآیند تحقیق و دیگر مراحل دادرسی شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بزه‌دیدگانی که بدین شکل از سوی مقام‌های قانونی آگاه نگه داشته می‌شوند، احتمال بیشتری است که روش نظام عدالت را منصفانه تلقی کرده و احساس کنند که مقام‌های قانونی با احترام و شأن انسانی با آنان رفتار کرده‌اند. توجه به این نکته قانونگذار ایران را بر آن داشته تا در ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ حق آگاهی یافتن از تحقیقات مقدماتی را برای بزه‌دیده حفظ نماید. مطابق این ماده بزه‌دیده می‌تواند از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد رونوشت بگیرد. به‌عبارتی، مجوز دسترسی بزه‌دیده به صورت‌جلسه

دیگر وجهه بیرونی دستگاه قضایی را در دید شهروندان، منصفانه قرار داده و بر قطعیت رسیدگی جرایم تأکید می‌کند.

توجه به اطلاع رسانی به بزه‌دیده در مورد صدور قرار تعلیق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط و دستور یا دستورهای قضایی اجرای احکام کیفری و آثار عدم تبعیت از آنها، در ماده ۵۵۵<sup>۲</sup> قانون مزبور لحاظ شده، اما لازم است در این ماده تصریح گردد که در صورت نقض شرایط از سوی بزهکار، مراتب به اطلاع بزه‌دیده برسد.

## ۲-۲- حق دریافت خدمات پزشکی-عاطفی

یکی از پیامدهای مستقیم بزه به‌ویژه در بزه‌های جنسی و خشونت‌آمیز، صدمات جسمی و عاطفی است که بر بزه‌دیده تحمیل می‌شود. گستردگی صدمات عاطفی در مواردی حتی به گونه‌ای است که از صدمات جسمی بیشتر و دامنگیرتر می‌باشد. از این‌رو، یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای بزه‌دیدگان که بلافاصله پس از وقوع بزه ایجاد می‌شود، نیازهای پزشکی و عاطفی است. اصول عالی‌ه انسانی ایجاب می‌کند که نیازهای اولیه درمانی بزه‌دیده حتی اگر در وقوع جرم مقصر باشد در اسرع وقت مرتفع گردد. نظر به اهمیت این مسأله مواد ۱۴ تا ۱۷ اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت به ضرورت و فوریت کمک‌های دارویی، روانی و اجتماعی اختصاص یافته است. (توجهی، ۱۳۷۷: ۱۸۰)

افزون بر نیازهای پزشکی و یا شاید مهم‌تر از آن نیازهای روحی و جسمی و عاطفی بزه‌دیدگان است که پس از وقوع بزه علیه ایشان نیاز به برآوردن آن احساس می‌شود. کمک‌های روحی و عاطفی به بزه‌دیده می‌تواند در تسکین

تحقیقات مقدماتی به تشخیص قاضی رسیدگی کننده واگذار شده است. اما ضمانت اجرای اجازه ندادن قاضی به بزه‌دیده برای رونوشت گرفتن از صورتجلسه تحقیقات مقدماتی نیز مسکوت مانده است. ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ضمن بیان مجدد قاعده مذکور در ماده ۷۳ قانون ۱۳۷۸، از یک مزیت فوق‌العاده برخوردار است و آن هم موضوع تکلیف مقام تحقیق به صدور قرار عدم دسترسی به پرونده و امکان اعتراض به قرار مذکور است. تبصره ۱ ماده مذکور اظهار می‌دارد: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.» به طوری که از ماده مذکور برمی‌آید، به موجب این قانون گامی اساسی در جهت تضمین حق بزه‌دیدگان بر داشتن اطلاعات در مورد دادرسی‌ها برداشته شده است. علاوه بر این، براساس ماده ۳۸ ضابطان دادگستری نیز مکلف گردیده‌اند که در صورت تقاضای بزه‌دیده، اطلاعات مربوط به پرونده و هویت متهم را در اختیار وی قرار دهند. بنابراین با وجود این که تحقیقات مقدماتی سری محسوب می‌شوند، اما مطابق قانون مزبور، این امر مانع از بهره‌مندی بزه‌دیدگان از حق اطلاع از فرآیند دادرسی نخواهد بود.

همچنین، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۶ در خصوص این حق بزه‌دیده بیان می‌دارد: «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.»

اعمال چنین حقی برای بزه‌دیده نتیجه‌ای دوسویه خواهد داشت از یک سو بزه‌دیده را در آرامش و اطمینان خاطر از این امر قرار خواهد داد که عدالت در حال اجرا است و از سوی

<sup>۲</sup> - ماده ۵۵۵: «صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، حکم آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و دستور یا دستورهای قضایی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم‌علیه یا متهم از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه یا متهم در مدت زمان مزبور بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای قضایی اجرای احکام کیفری تبعیت نکنند، یا مرتکب جرم عمدی شود، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری برای اجرای مقررات مربوط اعلام کند.»

<sup>۱</sup> - ماده ۳۸: «ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.»

بدین‌سان، بلافاصله پس از بزه‌دیدگی فرد، لزوم تضمین سلامت و امنیت بزه‌دیده ایجاب می‌کند تا ضمن ارائه خدمات درمانی و مشاوره‌ای، از بزه‌دیده در برابر بزهکار حمایت شود. نباید به این قناعت کرد که تنها شکایت بزه‌دیده پذیرفته شود و سپس او را با تمام مشکلات و تهدیدات رها کرد. تهدید و ارباب به هر طریقی از محکوم یا اطرافیانش علیه بزه‌دیده یا بستگان وی می‌تواند بزه‌دیده را از توسل به نظام عدالت کیفری برای احقاق حق خود بازدارد، این امر هنگامی که بزه‌دیده و مجرم ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، خطرناک است؛ مانند آنکه دو طرف اعضای یک خانواده‌اند یا در یک محل کار می‌کنند.

لازمه حق حمایت شدن، تقویت بزه‌دیده با اتخاذ تدابیر نظارتی در برابر بزهکار است. اگرچه در جرایم بسیار مهم، بزهکار در حبس تأمینی قرار می‌گیرد، لیکن در بسیاری از موارد، ممکن است بزهکار بدون آنکه نظارت قضایی بر او اعمال شود، آزاد بماند. بنابراین آزادی متهم مستلزم شروطی مانند عدم ملاقات افراد خاص، عدم تردد در اماکن معین و امثال آن است. شایان ذکر است در قراردادهای تأمینی موضوع مواد ۱۳۲ تا ۱۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، امکان اتخاذ تدابیر نظارتی در تضمین امنیت بزه‌دیده وجود ندارد، اما در ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ آمده است: «بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد...» نکته بسیار مناسب در این ماده این است که نه تنها حمایت از شخص بزه‌دیده بلکه حفاظت از خانواده وی نیز مدنظر قرار گرفته است.

علاوه بر این، ماده ۱۰۱ در جهت فراهم ساختن حمایت هرچه بیشتر از بزه‌دیده، مقام تحقیق و حتی در مواردی دادگاه را مکلف به اتخاذ تدابیر مناسب جهت محفوظ ماندن اطلاعات فردی بزه‌دیده کرده است. مطابق این ماده: «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به

آلام روحی وی مؤثر بوده و زمینه‌های بازگشت وی به زندگی ماقبل بزه‌دیدگی او را فراهم کند.

بدین ترتیب بزه‌دیده‌ای که با ظهور جنبش‌های حمایت از حقوق بزه‌دیدگان مانند جنبش‌های فمینیستی و جنبش‌های حامیان حقوق بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌بار وارد عرصه بزه‌دیده‌شناسی حمایتی شده بود و مستحق حمایت و نه سرزنش دانسته شده بود، در این راه اندکی به پیش‌رفت و استحقاق دریافت کمک‌های روانی را نیز پیدا کرد و این در حالی بود که بزه‌دیده‌شناسی اولیه به بزه‌دیده به عنوان یک عمل مجرمانه و کسی که نقش فعال یا منفعل و همراه با غفلت و کوتاهی در جرم دارد نگاه می‌کرد. بدین ترتیب، مقوله بزه‌دیده‌شناسی کاربردی- حمایتی، بزه‌دیده را مستحق توجه و حمایت دانسته و در پی یافتن شیوه‌ها و راه‌هایی برای حمایت همه جانبه و التیام لطامات مادی و معنوی بزه‌دیده است. (عباسی، ۱۳۸۲: ۴۶) این حق به‌طور ضمنی در مواد ۱ و ۶ قانون آیین دادرسی مورد توجه قرار گرفته است. شایان ذکر است ماده ۵۱ به طور صریح حق مزبور را برای متهم بیان نموده است.<sup>۱</sup>

### ۲-۳- حق حمایت در برابر آسیب

از جمله حقوقی که نتیجه بی‌واسطه حق احترام به کرامت انسانی بزه‌دیده محسوب می‌شود، تأمین امنیت وی و شهود او است، چرا که تأمین امنیت از اقداماتی است که منجر به کاهش نگرانی بزه‌دیدگان، حفاظت از هویت و زندگی خصوصی آنان می‌شود. وانگهی از آنجایی که بزه‌دیده به عنوان بهترین منبع اطلاعات در مورد واقعه مجرمانه می‌تواند در جهت انجام هرچه بهتر تحقیقات و دادرسی به مقامات قانونی کمک کند، از این‌رو، تحقق عدالت و دادرسی منصفانه و عادلانه درگروی حفاظت از بزه‌دیده و شهود وی در برابر تهدیدات و آسیب‌هایی که ممکن است متوجه ایشان گردند، می‌باشد.

<sup>۱</sup> - ماده ۵۱: «بنا به درخواست شخص تحت‌نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت‌نظر معاینه به‌عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.»

قرار تعلیقی تعقیب متهم است، حسب دستور دادستان متهم مکلف به انجام برخی دستورات است که از بعضی از این دستورها می‌توان در جهت حمایت از بزه‌دیده در برابر آسیب‌های ناشی از رفتار مجرمین بهره جست. به عنوان نمونه یکی از این دستورات می‌تواند خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین باشد. از این بند می‌توان در جهت حفاظت از بزه‌دیده یا شهود مقرر کرد که مثلاً فردی که تعقیب وی معلق شده، حق نزدیک شدن به یک فاصله معین از محل زندگی یا کار بزه‌دیده یا شهود را نداشته باشد و یا مطابق بند «ی» می‌توان ملاقات با بزه‌دیده را برای فرد مذکور ممنوع کرد.

از این‌رو، زمانی که بزه‌دیده، شکایت را به عنوان یک حق برای خود اعمال می‌کند ممکن است موانع بسیاری برای جلوگیری از اعمال این حق از سوی بزه‌کار و یا وابستگان وی ایجاد شود. مظنون یا دیگری که از جانب وی اقدام می‌کنند ممکن است در صدد تهدید بزه‌دیده یا بازداشتن وی از توسل به نظام عدالت برآمده یا در اقدامی تلافی‌جویانه بزه‌دیده را به دلیل گزارش جرم به مقامات قضایی مورد آزار و اذیت قرار دهند. این امر به‌ویژه هنگامی خطرناک است که بزه‌دیده و

این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود.<sup>۱</sup> ماده ۶۲ نیز شرایطی را فراهم ساخته تا مانع از سوء سوء استفاده‌های احتمالی برخی افراد سودجو به بهانه حمایت از بزه‌دیدگان در برابر تهدیدات گردد.

در قانون مزبور نه تنها حمایت از بزه‌دیدگان در برابر تهدیدات مدنظر قرار گرفته، بلکه برای تأمین امنیت شهود نیز تمهیدات مناسبی اندیشیده شده است، این موضوع به روشنی در ماده ۲۱۴<sup>۲</sup> قانون لحاظ گردیده است. علاوه بر موارد اشاره شده که مستقیماً مورد عنایت تدوین‌کنندگان قانون قرار گرفته است، ماده ۸۱<sup>۳</sup> قانون که در مقام بیان شرایط صدور

۱ - ماده ۶۲: «تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است.»

۲ - ماده ۲۱۴: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند:

الف) عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم،

ب) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع،

ج) فراهم ساختن امکان استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور.

تبصره ۱: بازپرس در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند.

تبصره ۲: ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد.

تبصره ۳: ترتیبات مقرر در این ماده و در تبصره ۱ آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجرا می‌شود.»

۳ - ماده ۸۱: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورات زیر می‌کند:

الف) ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده،

ب) ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش ماه،

ج) خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک سال،

د) خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک سال،

ه) معرفی خود در زمان‌های معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک سال،

و) انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه با تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک سال،

ز) شرکت در کلاس‌ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک سال،

ح) عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال،

ط) عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال،

ی) عدم ارتباط و ملاقات با شرکای جرم و بزه‌دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین،

ک) ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش ماه...»

در آیین دادرسی کیفری ایران گرچه نمی‌توان حمایتی این چنینی را سراغ گرفت؛ اما تبصره ماده ۱۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ را می‌توان گزاره‌ای مشابه با این گونه حمایت دانست. گرچه این تبصره به تبعیت از روند کلی قوانین کیفری ایران به مصلحت و مصلحت‌گرایی پرداخته است؛ اما آنچه که در ارتباط با احضار بدون علت مقرر کرده است می‌تواند فاش شدن هویت بزه‌دیده در برابر بزهکاری به منظور پیشگیری از اعمال فشار بر وی را محدود کند.

روی دیگر محرمانه ماندن هویت بزه‌دیده، حمایت از حق خلوت او است. نمود این امر را می‌توان در ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ دید که با وجود حکم مبنی بر علنی بودن رسیدگی در بند یک و دو این ماده، اعمال منافی عفت و نیز امور خانوادگی با درخواست طرفین را از این حکم کلی استثنا کرده و انتشار چنین مواردی را با مجازات افترا پاسخ می‌دهد.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۱۰۱ راجع به محرمانه ماندن هویت بزه‌دیده این‌گونه مقرر می‌دارد که: «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام‌خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود.»

## ۲-۵- حق داشتن وکیل

حق مشاوره از جمله حقوق بزه‌دیده به‌شمار می‌رود. این حق بدین معنا است که مشاوره‌های لازم به بزه‌دیده داده شود. توصیه‌هایی برای شناخت پرونده‌ها اعم از کیفری و حقوقی، اشخاص و کارشناسان مختلف، تفاوت‌های مراحل دادرسی از بدو شکایت تا جبران خسارت، سازمان‌های مرتبط مانند تأمین اجتماعی، بیمه، ستاد پرداخت دیه، احیاناً کمیسیون پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان و دیگر کمک‌های اجتماعی و مردمی مانند کمیته امداد و شرایط استفاده از این کمک‌ها داده شود. برای فهمیدن مسیر دعوا در سیستم دادگستری به یک راهنما

مجرم ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. (عباسی، ۱۳۸۲: ۷۶) پرهیز از چنین خطراتی دستگاه عدالت کیفری را با این ضرورت مواجه خواهد ساخت که برای احترام به حق دادخواهی بزه‌دیده به صورت کامل، حمایت از وی در برابر تهدیدات ناشی از ارائه شکایت را مدنظر قرار داده و به عنوان یک تکلیف بدان بنگرد. حمایت از بزه‌دیده در این راستا می‌تواند از راهکار جرم‌انگاری اقدامات بزهکار جهت پیشگیری از طرح شکایت در دادگاه باشد نظیر آنچه که ماده ۵-۴۳۴ قانون جزای فرانسه در ارتباط با تهدید بزه‌دیده برای پرهیز از اقامه شکایت آمده است و یا می‌تواند به صورت ارائه تسهیلات به بزه‌دیده باشد نظیر آنچه که در انگلستان به عنوان مرکز حمایت از بزه‌دیدگان و خدمات رسانی به شهود در حال فعالیت است. (مهرا، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

توجه به حمایت شکلی از زنان و کودکان بزه‌دیده نیز بدون لطف نخواهد بود. در عرصه شکلی نیز متفکران بیکار نبوده و ایده‌هایی را در این زمینه مطرح کرده‌اند. از جمله این موارد را می‌توان در ماده ۶۶ و تبصره‌های آن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ملاحظه نمود که سازمان‌های حامی حقوق زنان را به عنوان شاکی برای حمایت از حقوق زنان بزه‌دیده وارد عرصه دادرسی کیفری می‌کند. همچنین، در ماده مزبور در کنار زنان، این حق برای کودکان بزه‌دیده نیز ایجاد شده است که از حضور سازمان‌های حامی کودک به عنوان شاکی در پرونده‌های کیفری بهره‌گیرند که این خود ابدایی در عرصه آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شود.

## ۲-۴- حق محرمانه ماندن هویت بزه‌دیده

حمایت کامل و همه‌جانبه از بزه‌دیده در فرآیند عدالت کیفری در برخی موارد الزامی دیگری را مطرح می‌کند. این الزام، حفظ هویت بزه‌دیده و جلوگیری از انتشار آن است. برای نیل به این منظور چند نظام حقوقی با محدود کردن این‌گونه گزارشگری به دنبال حمایت از حق خلوت و محرمانگی بزه‌دیده بوده‌اند. در کانادا، هلند و پادشاهی انگلستان، انتشار جزئیاتی که ممکن است به افشای هویت بزه‌دیده تجاوز جنسی شود، ممنوع است. این نکته در استرالیا جنوبی و نیز در مکزیک قابل مشاهده است. (مهرا، ۱۳۸۷: ۷۷)

که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و زنان، اشخاص بیمار و دارای ناراحتی جسمی و ... حمایت از حقوق شهروندی است، پیش‌بینی کرده است. این امر نیز گرچه وکالت به معنای اخص نیست، لیکن به نوعی بستر مناسبی برای معاضدت بزه‌دیدگان خاص فراهم نموده است.

## ۲-۶- حق شرکت در میانجی‌گری

میانجی‌گری جلوه‌ای از عدالت ترمیمی به شمار می‌رود. عدالت ترمیمی مفهومی کهنه در قالب عنوانی تازه است که به تدریج در کنار عدالت کیفری خود را مطرح ساخته و جنبه فراگیر یافته است. این که عدالت ترمیمی چیست چگونه شکل گرفته و داعیه آن چیست مورد بحث ما نیست به علاوه که در این باره به قدر کفایت سخن گفته شده است.<sup>۴</sup> آنچه که در این میان اهمیت دارد توسل به این مکانیسم به عنوان فرآیندی غیررسمی جهت دستیابی به عدالت در فرآیند رسیدگی به عنوان حقی برای بزه‌دیده است؛ چراکه در سیستم عدالت کلاسیک گرچه رسیدگی منجر به محکومیت و مجازات بزه‌کار گردد، نمی‌توان به قطع سخن از ترمیم تمامی خسارات وارد بر بزه‌دیده گفت. بر همین اساس با اولویت دادن به نیازهای بزه‌دیده، ترمیم خسارات وارد به وی در اثر وقوع جرم را هدف سیستم عدالت می‌دانند. در سراسر تاریخ بشریت از رویکردهای عدالت ترمیمی برای حل کشمکش‌های میان افراد و بازگرداندن صلح و آرامش به اجتماع‌ها استفاده شده است. چنین رویکردهایی که در مقابل رویکردهای انتقام‌جویانه یا بازپروانه قرار دارند، با ابراز نارضایتی‌هایی که در سال‌های اخیر از دو رویکرد اخیر صورت گرفته است، جای خود را در سیستم عدالت باز کرده است.

و مفسر نیاز است که این فرد معمولاً وکیل دادگستری است. با توجه به این که وکیل قادر خواهد بود به عنوان رابط میان دستگاه قضایی و بزه‌دیده روند دادرسی را پیگیری نموده و اقدامات حقوقی لازم را انجام دهد، طبیعتاً یکی از مساعدت‌های متصور برای بزه‌دیدگان، رعایت حق آنان بر بهره‌گیری از خدمات وکلای دادگستری است. از این‌رو علاوه بر این که در قانون جدید بر این امر تأکید شده است، مطابق تبصره ماده ۳۴۷، هرگاه دادگاه دخالت وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، همانند حقی که برای متهم در این ماده در نظر گرفته شده است، دادگاه برای بزه‌دیده نیز وکیل تعیین خواهد نمود. مقررات تبصره این ماده از جمله تأسیسات بسیار مناسب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان محسوب می‌شود. علاوه بر این ماده ۳۸ ضابطان دادگستری را مکلف به آگاه‌سازی بزه‌دیدگان در رابطه با خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی کرده است.

ماده ۳۶۶ نیز شرایط بسیار مناسبی برای اعلام جرم و ارائه دلیل در طول فرآیند دادرسی از سوی سازمان‌های غیردولتی

<sup>۱</sup> - ماده ۳۴۷: «متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن مالی متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه قضایی، برای متهم، وکیل تعیین خواهد نمود. در صورتی که وکیل در خواست حق‌الوکاله کند، دادگاه حق‌الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام شده، تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق‌الوکاله نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق‌الوکاله از محل صندوق دولت پرداخت می‌شود.

تبصره: هرگاه دادگاه دخالت وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد ماده فوق اقدام می‌کند.»

<sup>۲</sup> - ماده ۳۸: «ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و دریافت خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.»

<sup>۳</sup> - ماده ۶۶: «سازمان‌های غیردولتی‌ای که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و زنان، اشخاص بیمار و دارای ناراحتی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند، در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای دادگاه‌ها اعتراض کنند.

تبصره ۱: در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده صغیر باشد، رضایت ولی یا قیم او اخذ می‌شود. اگر ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده باشد،

سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند...»

<sup>۴</sup> - برای نمونه بنگرید به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال سوم، شماره نهم و دهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲؛ پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱؛ شیری، عباس، عدالت ترمیمی، مبانی و کنشگران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۸۵-۱۳۸۴؛ غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.

جهت میانجی‌گری ارجاع دهند. مطابق ماده ۸۳ مقرر گردیده که در صورت ارجاع امر به میانجی‌گری: «نتیجه میانجی‌گری به صورت مشروح و با ذکر ادله آن طی صورت‌مجلسی که به امضای میانجی‌گر و طرفین می‌رسد، برای بررسی و تأیید و اقدامات بعدی حسب مورد نزد مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود. در صورت حصول توافق، ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آن‌ها در صورت‌مجلس الزامی است.» ماده ۸۴ نیز در جهت فراهم ساختن سازوکارهای اجرایی چگونگی میانجی‌گری و نحوه اقدامات مؤسسات و اشخاص میانجی‌گر، تصویب آیین‌نامه در این خصوص را پیش‌بینی کرده است. براساس این ماده: «چگونگی انجام دادن کار در مؤسسات عام‌المنفعه موضوع بند «ج» ماده (۸۱) این قانون و ترتیب میانجی‌گری و شخص یا اشخاصی که برای میانجی‌گری انتخاب می‌شوند، موضوع ماده (۸۲) این قانون به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

## ۲-۷- حق بر جبران خسارت

خصوصی بودن صرف جرایم در آغاز پیدایش و نیز کشیده شدن این ویژگی در طول زمان تاکنون، همواره بزه‌دیده را مستحق دریافت خسارت می‌کرده است. بنابراین، یکی از لوازم اعتبار بخشیدن به شهروندان و به رسمیت شمردن کرامت آنان، حق جبران خسارت است. به عبارت دیگر، یکی دیگر از اصول راهبردی حقوق کیفری که در ذیل اصول تأمین‌کننده حقوق اجتماعی است، اصل لزوم جبران خسارت در مقابل اشتباهات عدالت کیفری می‌باشد. چه حفظ تمامیت جسمانی برده‌دیده در مقابل دیگران، تکلیفی برای جامعه و حقی انکارناپذیر برای او است. پرداخت خسارت به بزه‌دیده یکی از ستون‌های کمک به بزه‌دیده است. برای بسیاری از بزه‌دیدگان این امر به منزله ابزار کمک مالی پس از بزه‌دیدگی می‌باشد. گرچه قوانین جبران خسارت که ترمیم خسارات وارد به بزه‌دیدگان را الزام می‌کند به دهه ۱۸۰۰ برمی‌گردد؛ اما، تمایز مهمی میان دو منبع جبران خسارت از بزه‌دیده، یعنی بزهکار و دولت وجود دارد. (اداره کنترل مواد مخدر، ۱۳۸۴:

۹۴)

صلح و سازش از جمله موضوعاتی است که در آموزه‌های دین مبین اسلام نیز بسیار بر آن تأکید شده است. علاوه بر آن، این موضوع در راهبردهای در نظر گرفته شده برای سیاستگذاران در مورد به اجرا درآوردن اعلامیه ملل متحد درباره اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۲۷ فوریه ۱۹۹۸ به عنوان یک حق پذیرفته شده به طوری که مقرر شده است: «سازوکارهای غیر رسمی برای حل و فصل اختلافات شامل میانجی‌گری، داوری و عدالت عرفی و یا رویه‌های بومی در موارد مقتضی برای تشکیل سازش و جبران خسارت بزه‌دیدگان باید به کار گرفته شود.»

مقرره ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ مبنی بر الزام دادگاه به کوشش به اصلاح بین طرفین در مواردی که با صلح، قضیه خاتمه می‌یابد را می‌توان در راستای عدالت ترمیمی در فرایند دادرسی دانست. در همین راستا ماده ۱۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر داشته که بازپرس یا دادستان می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنها به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای

<sup>۱</sup> - ماده ۸۲: «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌توند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین مناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک‌بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.

تبصره- بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجی‌گری را از دادستان تقاضا نماید.»

مرحله رسیدگی و محاکمه را به رسمیت شناخته است، اما نسبت به جبران خسارت در قبال دستگیری یا بازداشت‌های غیرقانونی نه در این اصل و نه در اصول دیگر حکمی وجود ندارد. به‌هرحال، در حقوق ایران جبران دولتی خسارت بزه‌دیدگان به این شکل که در پاره‌ای از موارد مسؤلیت جبران خسارت متوجه دولت باشد، به‌طور خاص پس از انقلاب و با تصویب قانون حدود، قصاص و دیات در سال ۱۳۶۱ مطرح شده است و جبران خسارت موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری را نیز با مسامحه می‌توان جبران دولتی خسارت قلمداد کرد؛ چراکه صندوق تأمین خسارت‌های بدنی زیر نظر بیمه مرکزی ایران اداره می‌شود و بیمه مرکزی ایران نیز به موجب قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران مصوب سال ۱۳۵۰ متعلق به دولت است.

ایدهٔ مربوط به جبران دولتی خسارت بزه‌دیدگان که در قانون حدود، قصاص و دیات در سال ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ جلوهٔ خود را نمایان ساخته، هم‌اکنون نیز در قانون مجازات اسلامی تداوم یافته و پس از تصویب کتاب‌های اول تا چهارم قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ پرداخت دیه از بیت‌المال در موادی از این قانون مجدداً مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۱</sup> در کنار این قانون مادهٔ ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز پرداخت دیه از بیت‌المال را پیش‌بینی نموده است.

به‌هرحال، انواع جبران خسارت را می‌توان در سه دسته قرار داد:

۱- جبران عینی خسارت؛ مراد از آن جبران خسارت به شیوه‌ای است که وضعیت را تا حد امکان به وضعیت ماقبل جنایی بازگرداند. نمونه آن را می‌توان به استرداد مال موضوع جرم اشاره کرد؛

۲- جبران بدلی خسارت؛ گرچه در این نوع جبران خسارت نیز بازگشت به وضعیت ماقبل جنایی مدنظر قرار دارد، اما این امر

شایان ذکر است، اهمیت خون انسان از دیدگاه شرع اسلام باعث گردیده است تا در برخی از روایات اسلامی مواردی تحت عنوان پرداخت دیه از بیت‌المال مطرح گردد که می‌توان آن را مشابه با بحث جبران دولتی خسارت از بزه‌دیدگان دانست. (بازیار، ۱۳۸۶: ۵۶) قاعده هدر نرفتن خون مسلمان از زمره مهم‌ترین قواعد باب دیات است. از این قاعده به «لایبطل دم امری مسلم» تعبیر می‌شود و گاه به جای واژه «لایبطل»، «لایهدر» به کار رفته است. مراد از این قاعده آن است که اگر مسلمان محقون الدمی کشته شود و قاتل به هر علت قصاص نشود، در هر صورت خون مقتول هدر نمی‌رود و می‌بایست دیه نفس در ازاء آن پرداخت شود. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۹۰) لازم به ذکر است همواره امکان پرداخت خسارت وارده توسط بزهکار وجود ندارد و سایر گزاره‌های فقهی جایگزین شامل اموال بزهکار و اقربای وی، نیز پاسخگوی خسارات ناشی از جرم نمی‌باشند. در چنین مواردی دولت بایستی به عنوان جایگزین مطرح گردد؛ چراکه در صورت عدم پرداخت دیه در چنین مواردی توسط دولت، خون مسلم به هدر رفته است.

با توجه به این که بیشتر اسناد و قوانین این حق را ناظر به متهم یا محکوم‌علیه می‌دانند که در نتیجه اشتباه دستگاه قضایی دستگیر یا بازداشت شده است؛ اما، گاهی این اشتباه در فرآیند دادرسی یا اجرای حکم به ضرر بزه‌دیده و شاکی تمام می‌شود؛ اعم از این که حکم به خسارت ندهد به استناد به این که اتهام متوجه متهم نبوده یا اشتباهاً تمامی خسارات وارده به بزه‌دیده جبران نشود. اسناد بین‌المللی حاکی از آن است که این اصل صرفاً به مرحله رسیدگی و محاکمه محدود نمی‌شود، بلکه در تمامی فرآیند کیفری قابل اعمال است و شامل دستگیری و توقیف هم می‌شود.

در گستره نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در محاکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعادهٔ حیثیت می‌گردد.» این اصل قانون اساسی صرفاً جبران خسارت در

<sup>۱</sup> - مواد ۳۳۴، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶ و ۴۸۷.

به صورت خسارت از طریق پرداخت بدل از عین مورد خسارت صورت می‌گیرد؛ و

۳- جبران خسارت جسمانی؛ که به صورت دیه و ارش است. (بازیار، ۱۳۸۶: ۳۴)

حق بزه‌دیده بر جبران خسارت در مواد گوناگونی از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مورد تأیید قرار گرفته و می‌توان گفت که مقررات نسبتاً جامعی در زمینه تضمین این حق در این قانون پیش‌بینی شده است. در این راستا ماده ۱ قانون مزبور به تضمین حقوق بزه‌دیده در مرحله اجرای حکم اشاره کرده است. بر اساس ماده ۹- که در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ نیز وجود داشت- ارتکاب جرم می‌تواند موجب ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم باشد. ذیل ماده ۶ قانون مذکور نیز بر تضمین حقوق بزه‌دیده در فرآیند دادرسی که شامل مرحله اجرای حکم هم می‌شود، اشاره کرده است. همچنین در مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۳۹ در موارد متعددی بر رعایت حق بزه‌دیده بر جبران خسارت و ترتیبات ناظر بر آن توجه شده است.

از جمله تأسیس‌های جدید در این قانون، تکلیف ضابطان دادگستری برآگاه‌سازی بزه‌دیده بر حق درخواست جبران خسارت است. این موضوع که در ماده ۳۸ به آن پرداخته شده، ضمن این‌که بزه‌دیده را از حق و حقوق خود مطلع می‌سازد، به نوعی این آرامش را برای وی ایجاد خواهد کرد که حق وی از جانب مقامات قانونی به رسمیت شناخته شده است.

صدور قرار تأمین خواسته بزه‌دیده، برای تضمین ضرر و زیان‌های وارد شده یا توقیف سایر اموال و دارایی‌های متهم، معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی در ماده ۶۸ و ماده ۶۸ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ سابقه داشته است؛ با وجود این، تأمین ضرر و زیان شاکی در دادسرا از سوی مقامات قضایی کمتر صورت می‌گیرد و علی‌رغم تصریح ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، صدور قرار تأمین خواسته را مربوط به دادگاه می‌دانند. حتی با این‌که در شق ۲ از بند ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و

انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱ قرار تأمین خواسته در مرحله دادسرا را از جمله قرارهای قابل اعتراض دانسته است، اما عملاً در دادسرا کمتر به صدور این قرار توجه می‌شود تا این‌که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به موضوع تأمین ضرر و زیان شاکی تصریح گردید. ماده ۱۰۷ قانون اخیر بیان می‌دارد: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند.» همچنین در تبصره آن آمده: «چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته، اموال متهم توقیف شود، بازپرس مکلف است هنگام صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مدنظر قرار دهد.» نیز در ماده ۱۰۸ بیان داشته است: «در صورتی که خواسته شاکی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، بازپرس معادل ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی‌های متهم توقیف می‌کند.» از دیگر موارد بسیار مثبت قانون بحث زیان‌های معنوی است که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ علی‌رغم سوابق تقنینی در این زمینه، چنین خسارت‌هایی به رسمیت شناخته نشده است و همچنین قابل جبران دانستن خسارات مازاد بر دیه که سال‌ها است در محافل حقوقی و رویه قضایی اختلاف نظرهای زیادی نسبت به قابل مطالبه دانستن یا ندانستن آن وجود دارد. این مشکل در قانون ۱۳۹۲ حل شده است و مطابق ماده ۱۴: «مدعی خصوصی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند.»

تبصره ۱: زیان معنوی عبارت است از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی یا خانوادگی که جبران آن از طریق اعاده حیثیت و اعتبار و یا تعیین میزان هزینه‌های رفع صدمات روحی پس از اخذ نظر کارشناسی، صورت می‌گیرد.

تبصره ۲: هزینه‌های متعارف درمان که مازاد بر میزان دیه باشد، مطابق نظر کارشناس یا بر اساس سایر ادله، قابل مطالبه است.»

در رابطه با جبران خسارت همان‌گونه که ذکر آن رفت، مقررات دقیقی در این قانون پیش‌بینی شده که ذکر کامل آنها به‌طور طبیعی از حوصله بحث خارج است و به همین مطالب اشاره شده اکتفا می‌شود.

## نتیجه‌گیری

حمایت از قربانیان جرم می‌تواند نقش اصلی را در کاهش پدیده‌های مجرمانه ایفا کرده، در تحقق عدالت کیفری، بازسازی شخصیت بزه‌دیده و تأمین خسارت‌های مادی و معنوی وی تأثیرگذار باشد. گزاره‌های اسناد بین‌المللی در ارتباط با بزه‌دیدگان که اکثراً حقوق ایشان در فرایند دادرسی را شامل می‌شود، متنوع و گسترده هستند. اما توجهات و مطالعات گسترده در عرصه قانونگذاری و اجرایی نتوانسته است به صورت بایسته و شایسته تأثیر بگذارد. آنچه در عرصه حقوق بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ وارد شده است بی‌تردید گام مهم و اساسی در این زمینه محسوب می‌شود؛ اما بی‌تردید امکانات رفاهی جامعه مجال رسیدن به آرمان‌های بین‌المللی را حداقل در شرایط کنونی به ما نخواهد داد. بدون تردید رسیدن به معیارهای رفاهی موردنظر در عرصه بین‌المللی در ارتباط با تأمین خدمات برای بزه‌دیدگان در کشور ما زمانی طولانی را صرف خواهد کرد و از این‌رو، با وجود تلاش‌ها و پیگیری‌ها، همچنان در فاصله‌ای نسبتاً طولانی با گزاره‌های بین‌المللی قرار داریم.

به هر حال، مواردی که در بخش قانون آیین دادرسی کیفری گفته شد برخی از حقوق بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری بود که در گزینش آنها سعی بر آن بود تا از رویاپردازی و آرمان‌گرایی خودداری شود؛ چرا که، حقوق بزه‌دیده در این مرحله را بسیار موسع دیده‌اند و موارد متعدد دیگری نیز می‌توان سراغ گرفت که به عنوان حق بزه‌دیده مطرح می‌شود اما از آنجایی که مراد بررسی قوانین داخلی ایران و انطباق آنها با چنین داده‌هایی است به ذکر همین مختصر اکتفا می‌شود.

به‌طور کلی در رابطه با حمایت از بزه‌دیدگان در قانون آیین دادرسی کیفری باید اشاره کرد که در این قانون مواد متعددی به منظور فراهم‌سازی بستر مناسب تنظیم شده است. به طوری که می‌توان این قانون را تأمین‌کننده بسیاری از دغدغه‌های بزه‌دیدگان دانست. گفتنی است در این قانون در رابطه با حقوق بزه‌دیدگان خاص نظیر زنان و ناتوانان جسمی

و روحی و دیگر افراد آسیب‌پذیر، نکات ارزنده‌ای پیش‌بینی شده است.

در پایان، شایان ذکر است اجرایی شدن این قانون نیازمند بسترسازی‌های قضایی و اجرایی می‌باشد. یعنی برای تحقق حقوق بزه‌دیده به عنوان یک عنصر فعال و تأثیرگذار در فرایند کیفری، مقامات قضایی و اجرایی بایست تعامل جدی داشته باشند. همچنین در سطح کلان هم منابع انسانی و مادی لازم در راستای تحقق اهداف قانون آیین دادرسی کیفری از جمله احقاق حقوق بزه‌دیدگان تدارک دیده شود. مدنظر قراردادن سیاست جنایی مشارکتی - که جلوه‌های متعددی از آن در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است - نقش به‌سزایی در تحقق عملی حقوق بزه‌دیده خواهد داشت.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** تمام مراحل نگارش مقاله به‌طور کامل توسط نویسنده انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

## منابع و مأخذ

- اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم (۱۳۸۴). *عدالت برای بزه‌دیدگان*. ترجمه علی شایان، تهران: انتشارات سلسبیل.

- اسکندری، عبدالکریم (۱۳۸۷). «راهکارهای حمایت از بزه-دیدگان در سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌الملل». مجله معرفت، ۱۳۴: ۴۳-۶۴
- آمدی، عبد الواحد (بی‌تا). غررالحکم و درر الکلم. جلد دوم، قم: دارالکتب الاسلامی.
- بازاریار، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *جبران دولتی خسارت بزه‌دیدگان مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*. تهران: انتشارات دنیای دانش.
- پرادل، ژان (۱۳۸۱). *عدالت ترمیمی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات سمت.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۷). *جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران*. پایان‌نامه دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۸). «سیاست جنایی حمایت از بزه-دیدگان». *مجله مجتمع آموزشی عالی قم*، ۴(۱): ۲۷-۴۶
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵). *مطالعه تطبیقی جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی (ایران، اسلام و انگلستان)*. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- شیری، عباس (۱۳۸۴). *عدالت ترمیمی، مبانی و کنشگران*. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲). *افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری*. تهران: انتشارات دانشور.
- عبدالفتاح، عزت (۱۳۷۱). «از سیاست مبارزه با بزه‌کاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده». ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، *مجله حقوقی دادگستری*، ۵۶(۳): ۸۵-۱۱۲.
- غلامی، حسین (۱۳۸۵). *عدالت ترمیمی*. تهران: انتشارات سمت.
- کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). *کنز الفوائد*. جلد اول، قم: دارالذخیر.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*. ترجمه میرروح‌ا... صدیق بطحایی، تهران: نشر دادگستر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحارالانوار*. جلد بیستم و هفتاد و دوم، بیروت: الوفا.
- مهرا، نسرين (۱۳۸۷). «نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز: سیاست‌ها و رویه‌ها». *فصلنامه فقه و حقوق*، ۴(۴): ۹۳-۱۱۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۲). «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی». *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ۳(۹): ۱۸-۲۸.